

## **Investigating the Impact of Criteria and Measures for Evaluating VAT Policy on Industry Development**

### **Abstract**

Governments play an important role in the economic growth and development of developing countries. In particular, they often provide major services such as education and medical care, investment in vital infrastructure such as roads and power plants. Since most governments rely heavily on tax revenues to finance themselves, tax revenues allow countries to grow and develop through payment. Or similarly, insufficient tax revenues create major problems in improving the growth and development of countries. The main purpose of this study was to identify the criteria and criteria for evaluating VAT policy and to examine its impact on industry development. The present research is an applied research in terms of purpose and a mixed research method in terms of method. The sampling method in the qualitative section was purposive non-random sampling method and in the quantitative section was stratified random. In this project, first qualitative data were collected and analyzed and then in the second stage, quantitative data were collected and analyzed. The results of the analysis of variance values extracted from the hidden variables of the study showed that all variables were  $> 0.5$ . Convergent validity of the measuring instruments was confirmed using the extracted mean variance index. The results showed that Cronbach's alpha coefficients were  $0.899$  and composite reliability was  $0.919$ , so the reliability of measuring instruments was confirmed using these two indicators. In the qualitative part; To identify the criteria and criteria for evaluating the VAT policy by surveying experts using a two-digit test, first the criteria and criteria for evaluating the VAT policy were identified and then in a quantitative part; To examine the effect of criteria and criteria for evaluating VAT policy on industry development, a one-sample t-test was used and showed that  $\Delta$  criteria and  $\Delta$  measures identified to evaluate VAT policy have a direct impact on industry development.

**Keywords:** policy evaluation, VAT, industry development

**بررسی تاثیر معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بر توسعه صنعت**بهزاد کیا<sup>۱</sup>احمد جعفری صمیمی<sup>۲</sup>علی فرهادی محلی<sup>۳</sup>مجتبی طبری<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۵

**چکیده**

دولت ها نقش مهمی در رشد اقتصادی و توسعه کشورهای در حال توسعه دارند. به ویژه اینکه، غالباً خدمات عمده ای از قبیل آموزش و مراقبت های پزشکی، سرمایه گذاری در زیر ساخت های حیاتی از قبیل جاده ها و نیروگاه های برق را فراهم می سازند. از آنجایی که اکثر دولت ها، اساساً به درآمدهای مالیاتی جهت تامین منابع مالی وابسته می باشند، درآمدهای مالیاتی امکان رشد و توسعه کشورها از طریق پرداخت هزینه فراهم می سازند. یا به همان اندازه، درآمدهای مالیاتی ناکافی، مشکلات عمده ای را در بهبود رشد و توسعه کشورها بوجود می آورند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده و بررسی تاثیر آن بر توسعه صنعت بود. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر نوع روش، روش تحقیق آمیخته محسوب می گردد. روش نمونه گیری در بخش کیفی، روش نمونه گیری غیرتصادفی هدفمند و در بخش کمی بصورت تصادفی طبقه ای بود. در این طرح ابتدا داده های کیفی گردآوری و تحلیل و سپس در مرحله دوم داده های کمی گردآوری و تحلیل شدند. نتایج بررسی مقادیر واریانس استخراج شده متغیرهای پنهان پژوهش نشان داد که همه متغیرها مقدار ۰,۵۶۱، به خود اختصاص دادند. لذا روایی همگرایی ابزارهای اندازه گیری با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده، تأیید شد. نتایج بررسیها ضرایب آلفای کرونباخ ۰,۸۹۹ و پایایی مرکب ۰,۹۱۹۱ نشان داد، بنابراین پایایی ابزارهای اندازه گیری با استفاده از این دو شاخص هم تأیید شد. در بخش کیفی؛ برای شناسایی معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده با نظر سنجی از خبرگان با استفاده از آزمون دوجمله ای ابتدا معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده شناسایی شدند و سپس در بخش کمی؛ برای بررسی تاثیر معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بر توسعه صنعت از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شد و نشان داد که ۵ معیار و ۹ سنجه شناسایی شده جهت ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بر توسعه صنعت تاثیر مستقیم دارند.

واژگان کلیدی: ارزیابی خط مشی، مالیات بر ارزش افزوده، توسعه صنعت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش تصمیم گیری و خط مشی گذاری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. Behzadkia.bk@gmail.com<sup>۲</sup> استاد گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران و استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

jafarisa@umz.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. Afarhadi19@yahoo.com<sup>۴</sup> دانشیار گروه مدیریت، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران. Mo\_tabari@yahoo.com

با توجه به گسترده شدن وظایف دولت نسبت به گذشته، مسائل و مشکلات دولت در زمینه اقتصاد بیشتر شده است. به گونه ای که در جوامع امروزی وظایف دولتها دیگر منحصر به حفظ نظم و امنیت نمی باشد، بلکه فعالیت هایی نظیر امور زیربنایی، انجام سرمایه گذاریهای اجتماعی، رفع نارسایی های بازار، رفع موانع و تنگناهای ساختاری، ایجاد تعادل در بازارهای پولی و مالی، ایجاد فضای مناسب برای رشد و شکوفایی اقتصادی نیز به عهده دولتها می باشد. واضح است که دولت برای اجرای سیاستهای خود نیاز به تأمین منابع مالی دارد به کارگیری سیاستهای مالیاتی مناسب می تواند از طریق کمک به تأمین منابع مورد نیاز دولت، تخصیص بهینه عوامل تولید و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه به رشد و توسعه اقتصادی منجر شود. در کشورهای در حال توسعه قسمت اعظم درآمد دولت را فروش منابع طبیعی تشکیل می دهد و سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمد دولت ناچیز است. در ایران درآمدهای نفتی سهم عمده ای از بودجه ی دولت را به خود اختصاص داده به طوری که نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی، درآمد دولت را دچار بی ثباتی و ناپایداری کرده است. یکی از راههای تأمین مالی منابع دولت و کاهش کسری بودجه اتکا به درآمدهای مالیاتی است. از طرفی افزایش نقش مالیات ها به جهت دستیابی به درآمدهای با ثبات مالیاتی امری ضروری به نظر می رسد (پژویان و همکاران، ۱۳۹۲). به طور عملی، خط مشی گذاری در دنیا و از جمله در کشورمان، ایران، سابقه طولانی دارد. اگرچه مطالعات و تحقیقات نظری درباره فرآیند خط مشی گذاری، به طور کلی، و عناصر و مراحل خط مشی گذاری، به طور اخص، در کشورهای غربی سابقه نسبتاً طولانی دارد. اما در ایران مطالعه و تحقیق در خط مشی گذاری هنوز مراحل اولیه خود را طی می کند (معمارزاده و طاهرپور کلاتری، ۱۳۸۴). ارزیابی یکی از مهم ترین ابزارهای لازم برای تضمین کارایی و اثربخشی خط مشی های عمومی است که در عین اهمیت، کمتر مورد توجه خط مشی گذاران و خط مشی پژوهان ایرانی قرار گرفته است. شاید بتوان ریشه عدم توجه درخور به حوزه ارزیابی خط مشی در ایران را کمبود آثار جریان ساز توسط استادان صاحب کرسی در دانشگاه های معتبر و اندیشمندان حوزه خط مشی در ایران، حبس الگوهای ارزیابی در قلمرو علوم آموزشی و سیطره نگرش کمی در روش پژوهش (محقق معین، ۱۳۸۸)؛ همچنین وجود اغتشاشات مفهومی در اصطلاحات پایه ارزیابی و عدم تبیین شایسته جایگاه و کارکردهای ارزیابی خط مشی دانست (امامی میبدی، ۱۳۹۱)، به علاوه بخشی نگری و بسنده کردن به استفاده صرف از مدل های ارزیابی در علوم اقتصادی و یا عدم اهتمام نهادهای خط مشی گذار به پژوهش های نظری و کاربردی در ارزیابی خط مشی را مزید بر علت پنداشت. این در حالی است که ارزیابی خط مشی نقشی بی بدیل در ارتقای پاسخگویی، بهبود، یادگیری و حتی اطلاع رسانی دستاوردهای خط مشی های عمومی از سطوح کلان ملی تا سطوح خرد و بخشی، بر عهده دارد (کورین و استفالیم، ۲۰۱۴).

### ادبیات تحقیق

خط مشی های مالیاتی یکی از مهم ترین حوزه های خط مشی عمومی است که دولت ها از ابتدای تاریخ مدنی تا کنون برای تأمین مالی عمومی ملزم به اتخاذ آن بوده اند و دارای آثار متعددی است که صرفاً اقتصادی نیست (دای،

۲۰۱۲). از مهمترین اهداف فعالیتهای اقتصادی دولت مواردی از قبیل تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، ثبات اقتصادی، حفظ سطح عمومی قیمتها، بهبود تجارت بین المللی و تراز پرداختها است. برای انجام این وظایف دولتها مجبورند هزینه های بسیار سنگینی را متحمل شوند. برای تامین مالی این مخارج لازم است منابع درآمد گوناگونی مهیا شود. درآمد دولتها عمدتاً به دو گروه درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیرمالیاتی تقسیم می شود. مالیات یکی از مهمترین مکانیسم های تولید درآمد در تعداد زیادی از کشورهای جهان به جز تعداد کمی از کشورهای ثروتمند دارای منابع طبیعی می باشد و در واقع یکی از منابع اصلی درآمد دولت است که از منابع مختلف به دست می آید. مالیات ها برای دستیابی به رشد اقتصادی، دستیابی به برابری در درآمد، توزیع ثروت و حفظ تعادل در اقتصاد استفاده می شود. یکی از این مالیات ها، مالیات بر ارزش افزوده است. مالیات بر ارزش افزوده یک سیستم مالیات غیر مستقیم پذیرفته شده به طور گسترده در جهان است که در بیش از ۱۹۹ کشور اجرا می شود. (برون و گالی، ۲۰۱۲) مالیات بر ارزش افزوده، دارای توان بالای درآمد زایی برای دولت است، بگونه ای که کار شناسان از آن به عنوان ماشین چاپ پول یاد می کنند. این مالیات دولت را با درآمدی با ثبات و انعطاف پذیر مواجه کرده و اتکاء به درآمدهای نفتی را کاهش می دهد (طهماسبی و همکاران، ۱۳۸۳). یکی از مهمترین موضوعات بحث برانگیز اقتصاد رابطه مالیات با رشد اقتصادی و اینکه چگونه مالیات رشد اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهد، است. تئوری های اقتصادی بیان می کنند که گروههای مختلف مالیاتی اثرات متفاوتی بر اقتصاد بر جای می گذارند. یکی از مهمترین مالیات ها که در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است مالیات بر ارزش افزوده است. مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چند مرحله ای است که به کالاها و خدمات تعلق می گیرد و منظور از آن اخذ مالیات از اضافه ارزش کالاهای تولید شده یا خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع است که در هر مرحله به صورت درصدی جدا از قیمت اخذ می شود (لی، ۲۰۰۳). بر خلاف مالیاتهای مستقیم که به طور کلی اثر منفی بر تولید دارند، اعمال مالیات بر ارزش افزوده برحسب روش اجرای آن، می تواند موجب افزایش تولید و رشد و توسعه اقتصاد گردد اثر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی از کانال صادرات و سرمایه گذاری صورت می گیرد. اگر مالیات بر ارزش افزوده به گونه ای اجرا شود که صادرات و سرمایه گذاری را افزایش دهد، تولید و رشد اقتصادی را نیز افزایش خواهد داد. در ارزش افزوده بر اساس اصل مقصد، صادرات از مالیات معاف است، زیرا کالاها و خدمات صادراتی در کشور دیگر (مقصد) مصرف می شود، ولی واردات به دلیل اینکه در داخل مصرف می شود مشمول این مالیات می گردد (اولیورا، ۲۰۰۱).

#### اهداف مشخص تحقیق

شناسایی معیارها و سنجه های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده و بررسی تاثیر آن بر توسعه صنعت

مشخص نمودن معیارها و سنجه های مدل ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت

جدول ۱ نتایج آزمون دو جمله ای

عوامل	گزینه‌ها	دسته	فراوانی	نسبت فراوانی (درصد)	سطح معناداری	نتیجه
تمرکز زدایی مالی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هدف سنجی، مورد موافقت شما است؟	خیر	$\leq 3$	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۱۰۰ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند
	بله	$> 3$	۱۷	۱۰۰,۰۰		
	مجموع		۱۷	۱۰۰,۰۰		
مقایسه عملکرد با هدف به عنوان یکی از مؤلفه‌های هدف سنجی، مورد موافقت شما است؟	خیر	$\leq 3$	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۱۰۰ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند
	بله	$> 3$	۱۷	۱۰۰,۰۰		
	مجموع		۱۷	۱۰۰,۰۰		
خوداتکایی درآمد به عنوان یکی از مؤلفه‌های هدف سنجی، مورد موافقت شما است؟	خیر	$\leq 3$	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۱۰۰ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند
	بله	$> 3$	۱۷	۱۰۰,۰۰		
	مجموع		۱۷	۱۰۰,۰۰		
ارزیابی مبتنی بر قانون به عنوان یکی از مؤلفه‌های رعایت قانون، مورد موافقت شما است؟	خیر	$\leq 3$	۱	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۹۴ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند
	بله	$> 3$	۱۶	۹۴,۰۰		
	مجموع		۱۷	۱۰۰,۰۰		
حسن اجرای قانون به عنوان یکی از مؤلفه‌های رعایت قانون، مورد موافقت شما است؟	خیر	$\leq 3$	۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۱۰۰ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند
	بله	$> 3$	۱۷	۱۰۰,۰۰		
	مجموع		۱۷	۱۰۰,۰۰		
ارزیابی برنامه به عنوان یکی از	خیر	$\leq 3$	۲	۰,۰۰	۰,۰۰۰	

۸۸ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند		۸۸,۰۰	۱۵	۳ >	بله	مؤلفه‌های ارزیابی فرایند، مورد موافقت شما است؟
		۱۰۰,۰۰	۱۷		مجموع	
۸۸ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند	۰,۰۰۰	۰,۰۰	۲	۳ <=	خیر	ارزیابی عملکرد به عنوان یکی از مؤلفه‌های ارزیابی فرایند، مورد موافقت شما است؟
		۸۸,۰۰	۱۵	۳ >	بله	
		۱۰۰,۰۰	۱۷		مجموع	
۹۴ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند	۰,۰۰۰	۰,۰۰	۱	۳ <=	خیر	آثار یا پیامدها بر مردم به عنوان یکی از مؤلفه‌های ارزیابی آثار، مورد موافقت شما است؟
		۹۴,۰۰	۱۶	۳ >	بله	
		۱۰۰,۰۰	۱۷		مجموع	
۱۰۰ درصد خیرگان با دسته بندی انتخاب شده موافق هستند	۰,۰۰۰	۰,۰۰	۰	۳ <=	خیر	مزیت نسبی مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یکی از مؤلفه‌های مزیت نسبی، مورد موافقت شما است؟
		۱۰۰,۰۰	۱۷	۳ >	بله	
		۱۰۰,۰۰	۱۷		مجموع	

همان گونه که یافته‌ها در جدول فوق نشان می‌دهد هر ۱۷ نفره خبره با دسته بندی مشخص شده برای هر متغیر اتفاق نظر کامل دارند

جدول ۲ آلفای کرونباخ و پایایی مرکب

کل		ابعاد		ابعاد	متغیر
پایایی مرکب	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ		
۹۱۹.۰	۸۹۹.۰	۰۰۰.۱	۰۰۰.۱	ارزیابی آثار	خط مشی مالیات بر ارزش افزوده در بخش صنعت
		۹۳۳.۰	۸۵۶.۰	ارزیابی فرایند	
		۹۲۸.۰	۸۴۵.۰	رعایت قانون	

		۰۰۰.۱	۰۰۰.۱	مزیت نسبی
		۸۴۰.۰	۷۱۵.۰	هدف سنجی

نتایج بررسی ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب در جدول ۲ نشان داد که مقادیر این شاخص‌ها برای همه متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰,۷ است و بنابراین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از این دو شاخص هم تأیید شد (هنسلر و همکاران، ۲۰۱۱<sup>۵</sup> و هیر، ۲۰۱۷).

روایی همگرا؛ منظور از شاخص روایی همگرا سنجش میزان تبیین متغیر پنهان توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر آن است (بارکلی و همکاران، ۱۹۹۵<sup>۶</sup>). برای شاخص متوسط واریانس استخراج شده حداقل مقدار ۰,۵ مقدار قابل قبولی است که این مقدار نشان دهنده این است که متغیرهای مشاهده‌پذیر حداقل ۵۰ درصد واریانس متغیر پنهان خود را تبیین می‌کند.

### جدول ۳ میانگین واریانس استخراج شده

(AVE)				
هدف	معیار	ابعاد	کل	
خط مشی مالیات بر ارزش افزوده در بخش صنعت	ارزیابی آثار	۰۰۰.۱	۵۶۱.۰	
	ارزیابی فرایند	۸۷۴.۰		
	رعایت قانون	۸۶۶.۰		
	مزیت نسبی	۰۰۰.۱		
	هدف سنجی	۶۳۶.۰		

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج بررسی مقادیر واریانس استخراج شده متغیرهای پنهان پژوهش نشان داد که همه متغیرها مقادیری بیش از ۰,۵ به خود اختصاص دادند. بر این اساس می‌توان گفت: روایی همگرای ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده، تأیید شد.

درگام بعدی تاثیر هر یک از معیارها و سنجه‌ها بر روی سه شاخص رشد صنعتی بلند مدت، فراگیری توسعه صنعتی و پایداری توسعه صنعتی که منجر به توسعه صنعت می‌شود بررسی شد:

معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

<sup>۵</sup>Henceler et al

<sup>۶</sup>Convergent Validity

<sup>۷</sup>Barclay et al

<sup>۸</sup>Average Variance Extracted (AVE)

معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) را برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟



معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) را برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) را برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار ارزیابی مزیت نسبی و سنجه آن (مزیت نسبی مالیات بر ارزش افزوده) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود؟

معیار مزیت نسبی و سنجه آن (مزیت نسبی مالیات بر ارزش افزوده) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به فراگیری توسعه صنعتی می‌شود؟

معیار مزیت نسبی و سنجه آن (مزیت نسبی مالیات بر ارزش افزوده) را برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به چه میزان منجر به پایداری توسعه صنعتی می‌شود؟

#### جدول ۴ نتایج آزمون - تی تک نمونه ای

در جدول فوق نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای در زمینه بررسی تاثیر هر یک از معیارها و سنجه‌ها بر روی سه شاخصی که منجر به توسعه صنعت می‌شود ارائه شده است. یافته‌ها نشان داد:

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۳,۳۵ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. مقدار t در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار بود. ( $P-Value \leq 0,05$ ). با توجه به اینکه مقدار t در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنی‌دار بود، لذا نتیجه گرفته می‌شود که میانگین مشاهده شده با میانگین نظری تفاوت معنی‌داری دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۶۸ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۳,۸ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۶ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۳,۷۱ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (مقایسه عملکرد و هدف) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۴ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۴,۳۷ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۸۷ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود. میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۷۳,۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۴ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۱۷,۴ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی مبتنی بر قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۸۳ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۸۸,۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۷ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود. میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۸۰,۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۶ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۷۱,۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (حسن اجرای قانون) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۴ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۶۰,۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) برای

ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۲٫۰ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۲۰٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۶۴ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۶۵٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی عملکرد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۳ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۶۰٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی برنامه) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۲ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۲۰٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی برنامه) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۶۴ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی فرایند و سنجه آن (ارزیابی برنامه) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۶۵٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار رعایت قانون و سنجه آن (ارزیابی برنامه) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۳ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۵۱٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۰ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود. میانگین تجربی ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۷۱٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۴ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۴۷٫۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار ارزیابی آثار و سنجه آن (آثار یا پیامدها بر مردم) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۶۹ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۵۴.۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۸۴ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۶۵.۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۹ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۷۵.۳ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار مزیت نسبی و سنجه آن (مزست نسبی مالیات بر ارزش افزوده) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۷ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۳,۹۸ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۸۱ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۳,۸ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۹ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

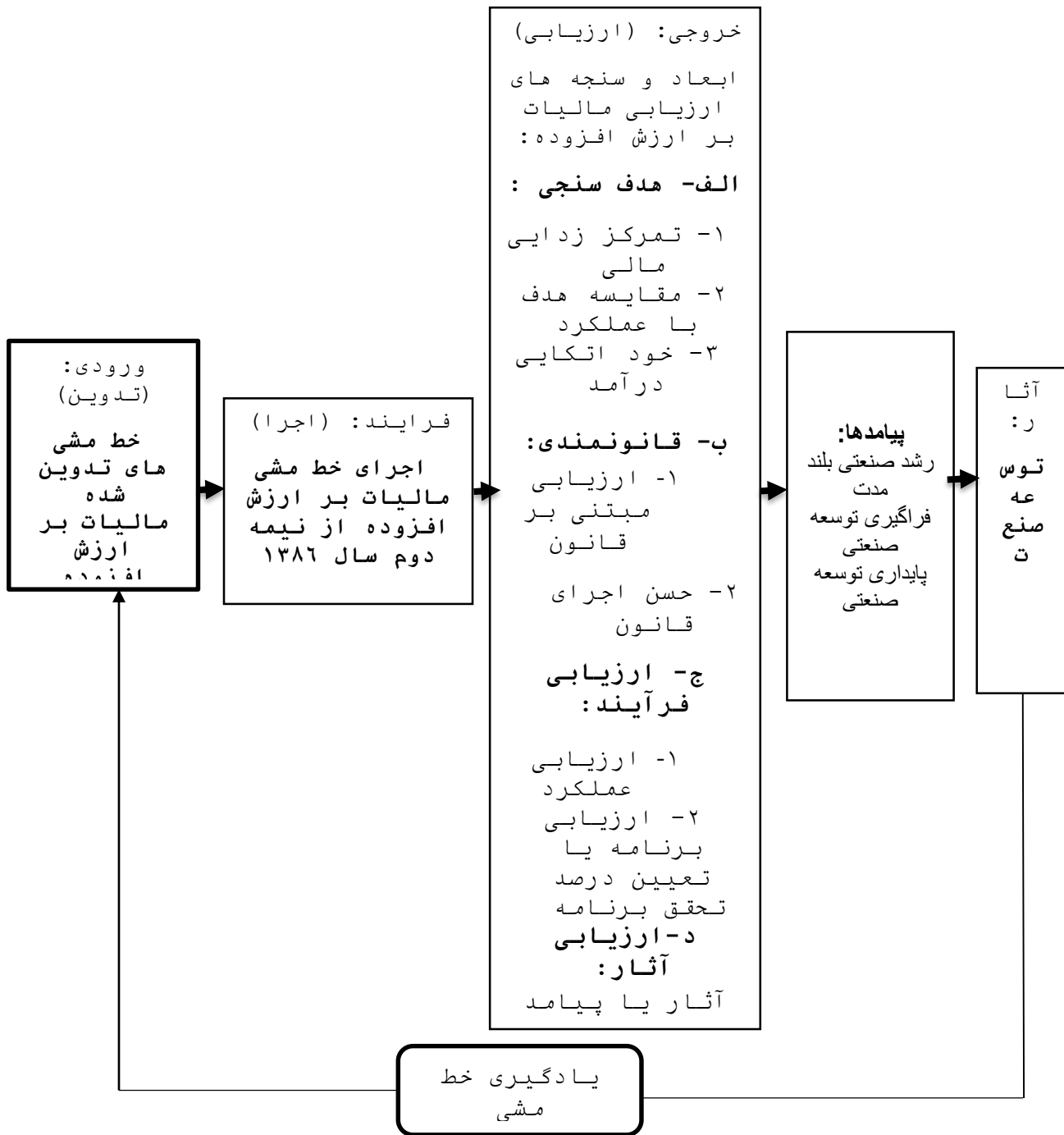
میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۳,۷۱ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (تمرکز زدایی مالی) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۸ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) بر رشد صنعتی بلندمدت برابر با ۴,۲۴ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۸۴ درصد منجر به رشد صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) بر فراگیری توسعه صنعتی برابر با ۳,۷۵ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) برای ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۷ درصد منجر به فراگیری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.

میانگین تجربی هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) بر پایداری توسعه صنعتی برابر با ۳,۷۱ و بیشتر از میانگین مورد انتظار (۳) بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت: معیار هدف سنجی و سنجه آن (خود اتکایی درآمد) برای

ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۷۸ درصد منجر به پایداری توسعه صنعتی بلندمدت می‌شود.



## منابع

۱. امامی میبدی، ر (۱۳۹۱)، ارزیابی سیاست نابسامانی مفهومی، فصلنامه تخصصی سیاست گذاری عمومی، ۱۱ (۱).
۲. پژویان، جم شید، وور شو ساز، بهناز (۱۳۹۲). اثر استقرار مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای منتخب منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸.
۳. طهماسبی بیلداجی، فریبرز، افضل، امیر، و بوستانی، رضا (۱۳۸۳). نگرشی بر مالیات بر ارزش افزوده و چگونگی اجرای آن در ایران، دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده .
۴. محقق معین، م (۱۳۸۸)، مبانی ارزشیابی برنامه، تهران: نشر مؤسسه ارزشیابی توانمندساز معین.
۵. معمارزاده، غ، طاهرپور، کلاتری، ح (۱۳۸۴)، شرایط و عوامل مؤثر بر اجرای خط مشی های مالیاتی ایران، اقتصاد و مدیریت، شماره ۶۷ صص ۷۱-۸۰.

۶. Barclay, M. J., & Smith Jr, C. W. (1995). The priority structure of corporate liabilities. *The Journal of Finance*, 50(3), 899-917.
۷. Brown, S. & Gale, W. (2012). Tax reform for growth, equity, and revenue, Urban-Brookings Tax Policy Center, Washington, DC, USA.
۸. Coryn, C. & Stufflebeam, D. (2014). *Evaluation Theory, Models, and Application*. San Francisco : Jossey-Bass.
۹. Dye. T. (2012). *Understanding Public Policy* (14<sup>th</sup> ed). New Jersey : Pearson Prentice Hall.
۱۰. Haire, Jr., Josef F., G. Tomas, M.H., Christain, M.R., Marko, S (2017). *A primer on partial Least squares structural Equation Modeling (PLS-SEM)*. SAGE publications kindle Edition.
۱۱. Henseler, J. Ringle, CM. Sinkovics, R.R (20۱۱). The use of partial least squares path Modeling in International Marketing. *Advances in International Marketing* 20, 319-277.
۱۲. Lewis F. A. (2003). *Theories of Industrial Modernization & Enterprise Development: A Review*. ISM/Google Books, revised 2nd edition, industrialization lasted from the late 1800s to late 1900s and is still in some places around world, Industrial Systems Research Pub.
۱۳. Oliveira, J. (2001). "Economic Effects of Origin and Destination Principle for Value-Added Taxes". Working paper, School of Business and Public Management, George Washington University.